

کتاب صنعتی شدن و توسعه (Industrialization and development) در سال ۱۹۹۲ در دانشگاه آکسفورد منتشر گردیده و بوسیله دانشگاه علامه طباطبایی در سال ۱۳۷۷ در تعداد ۳۰۰۰ نسخه به بازار عرضه شده است. کتاب مذکور توسط جمعی از مؤلفان دانشگاه‌های مختلف انگلستان که عموماً متخصصین دروس اقتصاد و اقتصاد توسعه می‌باشند تألیف گردیده و با همت گروه گردآورندگان تام هیویت، (Tom Hewitt) هیزل جانسون (Hazel Johnson) و دیو ویلد (Dave Wield) گردآوری شده است. چنانکه بر اساس یادداشت مترجم می‌خوانیم، کتاب مذکور یک جلد از دوره چهار جلدی کتابهای درسی برای دانشجویان درس «توسعه جهان سوم» در دانشگاه آزاد انگلستان^۱ می‌باشد.

ترجمه روان و ویرایش مناسب کتاب نشان از موفقیت مترجم می‌دهد. ساختار و تدوین کتاب به لحاظ صفحه‌بندی، نمونه خوانی و... بسیار مطلوب و قیمت

بخش دوم کتاب، رویکردی انتقادی بر هزینه‌های صنعتی شدن دارد. (مترجم، ترجمه بخش دوم را به آینده موکول نموده است)

در مقدمه کتاب که به قلم گردآورندگان آن است. به بحث در خصوص تبیین اهمیت مطالعه و بررسی «ضرورت صنعتی شدن» برمی‌خوریم، در این مقدمه بسیار جالب مؤلفان سعی دارند پاسخی برای اینکه چرا باید صنعتی شد بیابند و در این فرایند بسیار موفق بوده‌اند اما آنچه که در فرایند مذکور جای تأمل دارد عدم ارائه معیار و شاخص مناسب برای ارزیابی و اندازه‌گیری میزان صنعتی شدن است. گردآورندگان معتقد هستند که اگر بخواهیم معیاری را انتخاب کنیم تا حدودی بستگی به آن دارد که چه چیزی را می‌خواهیم دریابیم، اما کتابی که یکی از اهداف سه‌گانه‌اش ارزیابی فرایند صنعتی شدن در کشورهای در حال توسعه از طریق مطالعات موردی و در سطحی جهانی است نیازمند معیار

همین عدم ارائه شاخص‌های مناسب برای اندازه‌گیری میزان صنعتی شدن و توسعه است؛ چراکه در اصل کتاب در پی تبیین یک معادله تبعی است که متغیر وابسته یعنی توسعه، تابعی از متغیری مانند صنعتی شدن است و انتظار بر آن است که کتاب همانطور که صنعت و تولید صنعتی را تعریف نموده، توسعه اقتصادی را نیز تعریف می‌کند.

پس از مقدمه گردآورندگان، رایس جنکینز (Rhys Jenkins) فصل اول را به رشته تحریر درآورده است. در این فصل یک بحث نظری در خصوص صنعتی شدن و اقتصاد جهانی با متد تاریخی انجام شده، بطوریکه فرایند صنعتی شدن کشورهای صنعتی و تحولات صورت گرفته در این فرایند را به همراه جابجایی جغرافیای صنعتی صورت گرفته مورد مطالعه قرار داده است. این مؤلف با تقسیم‌بندی دوران رشد صنعتی جهان به دو دوره مستقل متذکر می‌شود که

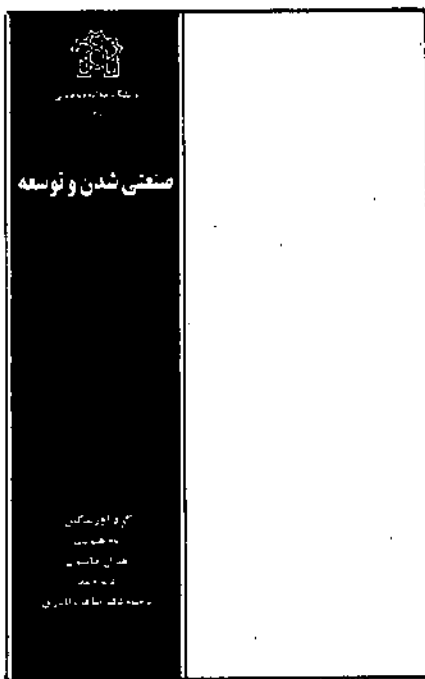
نقدی و نظری بر کتاب:

صنعتی شدن و توسعه

- گردآورنده: تام هیویت، هیزل جانسون، دیو ویلد
- مترجم: طاهره قاری
- ناشر: دانشگاه علامه طباطبایی

● نعمت‌الله اکبری

عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان



جهان در دوره اول (تا سال ۱۹۷۰) همراه با رونق طولانی با نرخ رشد متوسط شش درصد در سال بوده است. و در دوره دوم (از سال ۱۹۷۰ تا حال حاضر) رشد صنعتی با نرخ‌های پائین تری تداوم می‌یابد.

در ادامه فصل اول، مؤلف موضوع جابجایی جغرافیایی در تولید صنعتی را مطرح می‌سازد. بطوریکه رشد صنعتی در دوره دوم با یک جابجایی جغرافیایی در کشورهای در حال توسعه رخ می‌دهد.

چندانکه در این دوره سهم جهان سوم از تولید صنعتی روند رو به رشدی را دارد و به ۱۲ درصد در سال ۱۹۸۰ می‌رسد؛ در این میان برزیل و مکزیک جزء ده کشور اول بزرگ تولیدکننده صنعتی جهان و کشورهایمانند هنگ کنگ، کره جنوبی، برزیل جزء بیست کشور اول بزرگ صادرکننده کالای صنعتی قرار دارند.

فصل دوم کتاب به قلم هنر گیبسن (Heather Gibson) و اوکلید ساکالتس (Euclid Tsakalotos) تدوین شده است. این فصل به بحران بین‌المللی بدهیها می‌پردازد و سعی دارد با بررسی علتها و پیامدها،

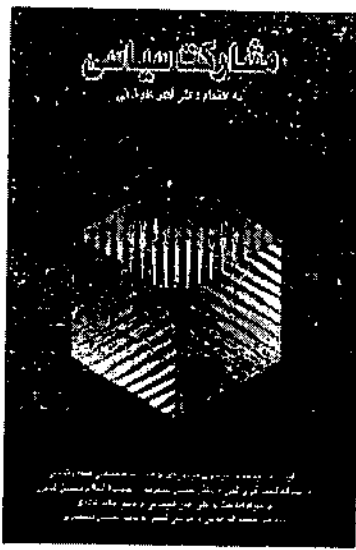
و شاخص معین برای اندازه‌گیری خواهد بود. در ادامه بحث مقدمه، گردآورندگان درصدد ارائه تعریف مناسبی از صنعت و تولید صنعتی هستند و برای این منظور به ارائه سه تعریف گوناگون از صنعت بر اساس موضوع، هدف و روش پرداخته و به تعریفی تقریباً جامع از صنعت دست یافته‌اند. این تعریف، صنعت و تولید صنعتی را به منزله طریقی خاصی از سازماندهی تولید می‌بیند و فرض می‌کند که در این رابطه فرایند ثابتی از تغییر فنی و اجتماعی وجود دارد که به طور پیوسته، توانایی جامعه را جهت تولید گسترده و وسیعی از کالاها افزایش می‌دهد.

در ادامه همین بحث، کتاب سعی در ایجاد رابطه میان صنعتی شدن و توسعه دارد و فرایند صنعتی شدن را از دریچه دو دیدگاه نظری ساختارگرا (Structuralist) و نو-لیبرال (New-liberal) مورد مطالعه قرار می‌دهد، اما در این مورد نیز هیچگونه شاخصی را برای اندازه‌گیری آن ارائه نمی‌دهد. و یکی از اشکالات وارد بر این کتاب علیرغم تمامی محاسن و مزایایی که دارد

پشت جلد ارزان در حد هزینه تمام شده حاکی از دیگر ویژگیهای مثبت این کتاب است. کتاب صنعتی شدن و توسعه در شش فصل تدوین شده است و هر فصل توسط نویسندگان مختلف به رشته تحریر درآمده است؛ اما این گوناگونی مؤلفان هیچگونه اشکالی را در نگارش کتاب حتی در اصطلاحات بکار رفته بوجود نیاورده و اثر یک دست و روان آن گویای این واقعیت است.

وقتی با مطالعه کتاب با نویسندگان آن همراه می‌شویم، به تلاش فراوان آنها بر تبیین ضرورت صنعتی شدن کشورها به منظور دستیابی به توسعه اقتصادی پی می‌بریم. و وقتی آنها در مقام پاسخ به این سؤال قرار می‌گیرند که آیا بدون صنعتی شدن میتوان به توسعه اقتصادی دست یافت به اتفاق پاسخ منفی می‌دهند.

بر اساس یادداشت مترجم، متن اصلی کتاب در دو بخش تدوین شده است. بخش اول (کتاب حاضر) مشتمل بر شش فصل و بخش دوم مشتمل بر چهار فصل است در بخش اول کتاب، بر ضرورت صنعتی شدن به منظور توسعه اقتصادی تأکید شده است و



معرفی کتاب:

مشارکت سیاسی

(مجموعه مقالات)

■ به اهتمام: علی اکبر علیخانی

■ ناشر: سفیر

اشاره:

در مقدمه کتاب مشارکت سیاسی، معرفی جامع و گویایی از این کتاب، به قلم آقای علیخانی به عمل آمده است. از این رو ترجیح داده شد گذشته از آن مقدمه با تغییراتی تقدیم خوانندگان گردد.

کتاب «مشارکت سیاسی» حاوی یازده مقاله از اساتید و محققین حوزه و دانشگاه در موضوع مشارکت سیاسی است که می‌توان مقالات آن را به دو بخش، تقسیم نمود، بخش اول، دیدگاه اسلام در باب مشارکت سیاسی را از زوایای گوناگون مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. مقالات این بخش به قلم آقای... سید محمد موسوی بجنوردی، آقای... عباسعلی عمید زنجانی، آقای... احمد آذری قمی، حجة الاسلام محسن کدیور، جواد اطاعت، علی اکبر علیخانی و موسی نجفی تهیه شده است.

بخش دوم به بحث درباره نظریه‌های کنونی مشارکت سیاسی پرداخته یا در چارچوب همان نظریه‌ها، مصادیق جزئی‌تری را با توجه به شرایط و مقتضیات به رشته تحلیل و احیاناً نقد کشیده است. در این بخش مقالاتی به قلم دکتر حسین بشیریه، دکتر حاتم قادری، دکتر حجت‌الله ایوبی و دکتر حسین اسکندری به چشم می‌خورد.

بخش اول یعنی حوزه تفکر سیاسی اسلام، شامل هفت مقاله است که می‌توان آنها را به دو گروه تقسیم کرد. گروه اول با چهار مقاله، موضوع مشارکت سیاسی را در قالب حکومت و نظام سیاسی اسلام مطرح کرده‌اند. مقاله اول، با عنوان «نقش مشارکت سیاسی در مشروعیت حکومت اسلامی»، ضمن تبیین مفهوم مشارکت سیاسی و نظام حکومتی اسلام، به نقش و تأثیر مردم در مشروعیت حکومت اسلامی پرداخته و با

الگوی از کشورهای که استراتژی توسعه صادرات را برگزیده‌اند متضمن دیدگاه نولیبرالیسم است.

فصل پنجم کتاب مجدداً به قلم رایس جنکینز تدوین شده است. وی در این فصل با توجه به دو دیدگاه نظری معتقد است علیرغم بررسی و مطالعات صورت گرفته در دو فصل قبلی هنوز بسیاری از سوالات مطرح شده دارای پاسخ کافی و جامع نیستند و پاسخ کامل به سوالات مطرح شده مستلزم یک ارزیابی نظری با توجه به تنویرها و نظریه‌های گوناگون است. بطوریکه این نویسنده معتقد است برای ترک بهتر و عمیقتر برداشتهای گوناگون از فرایند صنعتی شدن و توسعه در کشورهای برزیل و کره جنوبی که بعنوان الگوهای از اتخاذ استراتژیهای متفاوت هستند باید فرایندی که نظریه‌های توسعه در آن تطوّر یافته است، بویژه دو دیدگاه نظری ساختارگرایی و نو-لیبرال مورد ارزیابی و دقت نظر قرار گیرد. بر این اساس فصل مذکور به بررسی تحول و تغییرات ایجاد شده در تفکر توسعه در دهه ۱۹۹۰ پرداخته است؛ و در این راستا انتقادات و ایرادات مطرح شده از طرف دو دیدگاه مذکور بر یکدیگر را مطرح ساخته است.

فصل ششم که یک تفسیر و ارزیابی دوباره از فرایند صنعتی شدن برزیل و کره جنوبی است مجدداً به قلم رایس جنکینز است، او در این فصل مدعی است فرایند صنعتی شدن برزیل و کره جنوبی علیرغم دو رویکرد متفاوت (درون‌گرا و برون‌گرا) در بعضی از جنبه‌ها مشابه‌اند، در ادامه این فصل نویسنده سعی دارد فرایند صنعتی شدن برزیل و کره جنوبی را با توجه به دو دیدگاه ساختارگرایی و نو-لیبرال مورد مقایسه و ارزیابی قرار دهد و نتایج حاصل از صنعتی شدن را با توجه به هر یک از دو دیدگاه ارائه نماید.

در مجموع در خصوص این کتاب می‌توان اذعان نمود که به لحاظ نگارش دارای نثری روان و به لحاظ موضوع دارای به هم پیوستگی منطقی است و ترجمه خوب خانم دکتر قادری این دو موضوع را شفاف ساخته است. کتاب مذکور به لحاظ رویکرد بسیار با اهمیت است، بطوریکه دو راهبرد مهم و رایج توسعه را با استفاده از مطالعه موردی برزیل و کره جنوبی از ابعاد مختلف مورد ارزیابی قرار داده است. و بخوبی توانسته است نقاط ضعف و قوت این دو راهبرد را در عملکرد آنها مورد مطالعه قرار دهد. بنابراین به جرأت می‌توان ادعا نمود که کتاب مورد نظر خلاً عمیقی را در بین کتب فارسی در زمینه خود پر نموده است و امید آن داریم که بخش دوم کتاب صنعتی شدن و توسعه در مجلدی دیگر به قلم مترجم به زودی بازار کتاب را غنی‌تر سازد؛ مطالعه این کتاب ارزنده را به تمامی دانشجویان و دانش پژوهان خصوصاً اقتصاد توسعه در تمامی مقاطع توصیه می‌نمائیم. □

والسلام

پانویس:

Open university، نحوه آموزش در این دانشگاه بصورت مکاتباتی است و دانشجو نیاز چندانی به مدرس و کلاس درس ندارد.

راه‌حل و پاسخی برای آنها بیاید، کل بدهیهای کشورهای جهان سوم با توجه به تلاشهای صورت گرفته برای صنعتی شدن تا سال ۱۹۸۰ به بیش از ۱۱۰۰ میلیون دلار امریکا ارزیابی شده است و بر این اساس سهم کشورهای مختلف جهان سوم در مناطق گوناگون متفاوت است؛ کشورهای امریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب با ۵۱/۳٪ بیشترین سهم بدهی را بخود اختصاص داده‌اند. این فصل در پی بررسی علل بحران بدهیها سه علت عمده را مطرح می‌سازد: اول نظام پولی بین‌المللی حاکم بر اقتصاد جهانی، دوم نظام خصوصی بانکداری بین‌المللی و علت سوم را در ساختار اقتصادی و سیاسی خود کشورهای بدهکار می‌یابد.

فصول سوم و چهارم کتاب به ترتیب به قلم تام هیویت (Tom Hewitt) و کریس ادواردز

« مؤلفان سعی دارند پاسخی برای اینکه چرا باید صنعتی شد بیابند و در این فرایند بسیار موفق بوده‌اند اما آنچه جای تأمل دارد، عدم ارائه معیار و شاخص مناسب برای اندازه‌گیری میزان صنعتی شدن است.

« بر مبنای تعریف کتاب، صنعت و تولید صنعتی، به منزله طریقه خاصی از سازماندهی تولید است که متضمن فرایند ثابتی از تغییر فنی و اجتماعی است و به طور پیوسته توانایی جامعه را جهت تولید گستره وسیعی از کالاها افزایش می‌دهد.

(Chris Edwards) است. فصل سوم دیدگاه نظری ساختارگرایی را در دستور کار خود دارد و به بررسی فرایند صنعتی شدن کشور برزیل پرداخته است و با توجه به اینکه کشور برزیل فرایند صنعتی شدن خود را بر اساس استراتژی جایگزینی واردات استوار ساخته است، به ارزیابی آن می‌پردازد. بطوریکه فصل مذکور کشور برزیل را بعنوان موردی از کشورهای «دیرصنعتی شده» (late Industrialized) در نظر قرار داده و فرایند صنعتی شدن را به همراه تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دنبال می‌کند.

فصل چهارم مورد دیگری از کشورهای «دیر صنعتی شده» را بعنوان کره جنوبی با دیدگاه نظری نو-لیبرالیسم مورد ارزیابی قرار داده است. کشور کره جنوبی بعنوان